



فصل بالندگی و سرزندگی موجودات طبیعت، فصل بهار است و انسان هم در بهار، بهاران عمر خویش را، رقم می‌زند و یا بهتر بگوییم، انسان در این فصل، از حالت خمود، رکود، سکوت، خستگی، تکرار، ابهام و سایه، به تحرک، قیام، بالندگی، تازگی، نور و روشنایی کشیده می‌شود. سلام بر بهار، سلام بر خالق بهار و سلام بر مخلوق ارج گزار بهار، سلام بر اندیشه‌های، عاشق تولد دوباره بهار.

استاد فضل الحق "فضل"

بهار آمد، گلستان پُر، زگل شد	فراز شاخساران پُر، زگل شد
نوی قمری و بلبل، دل انگیز	فضای دشت و دامان پُر، زگل شد
در و دشت و بیابان پُر، زگل شد	
نگاه کن بستر کبک دری را	سراسر کوهساران پُر، زگل شد
روان شیخ و زاهدای، دوران	ز موج سبزه زاران پُر، زگل شد
لباس کوهساران پُر، زگل شد	
زگل غندی و پغمانم چه پرسی؟	زینچشیر تابه پروان پُر، زگل شد
هوای باغ بابُر، گشته مطبوع	جهان از لطف یزدان پُر، زگل شد
سرا پا کابلستان پُر، زگل شد	
گل سرخ مزار و سیرگل گشت	نگاه، در جویباران پُر، زگل شد
تماشای مزار شاه مردان	خروش روضه خوانان پُر، زگل شد
فضای بلخ و بغلان پُر، زگل شد	
نهیب و شیة اسپان بُزکش	زفاریاب تا سمنگان پُر، زگل شد
تماشای شطارت های ایشان	نظرسوی سواران، پُر زگل شد
شکوه قهرمانان پُر، زگل شد	
شکوه و عزت پامیر و بابا	چهل ابدالان و سنگان پُر، زگل شد
زغورستان و کھسار بلندش	قدمگاه غزالان پُر، زگل شد
منارجام و بیدان پُر، زگل شد	
زدولتیار و شهرک، لعل و شینکوت	زساغر تا شهیدان پُر، زگل شد
زچارسده و تولک، غور و یاغنو	دولینه تا به یامان پُر، زگل شد
زبادغیس تاشکیبان پُر، زگل شد	
هرات باستان مهد جلال است	زانجیل تا کدستان پُر، زگل شد
زخاک اولیاء الله میرسد فیض	زغوریان تاسیواوشان پُر، زگل شد
کرخ و چشت و کھسان پُر، زگل شد	
زغزنی، قندهار، کندوز و فراه	ز هلمند تا به میدان پُر، زگل شد
سری پُل تاسمنگان فرش سبزه	زپکتیس تا به سیستان پُر، زگل شد
هرات و غور و لغمان پُر، زگل شد	
زدایکندی و زابل خوست ولوگر	تخارستان و جوزجان پُر، زگل شد
زپکتیکا و ننگرهار و زابل	زسالنگ تا شیرغان پُر، زگل شد
شمیم ابر و باران پُر، زگل شد	
برابر شد شب و روز اندرین فصل	سخن از دُر و مرجان پُر، زگل شد
ز فضل بیکران حق تعالی	غروب و شا مگهان پُر، زگل شد
جهان از لطف سبحان، پُر زگل شد	

نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار

نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار در سال ۱۳۸۹ خورشیدی به همت جمع کثیر از جوانان بادرک و با احساس مردم الله یار، مسکون در قراء و قصبات مختلف آن دیار، غرض ایجاد انگیزه ها بخاطر فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی، رشد و تقویت افکار جوانان، نشر مقالات علمی و آگاهی دهی در مورد بخش های تعلیم و تربیه در منطقه، بالخذ جوازنامه، بتاريخ (۱۴/۲/۱۳۹۰)، از وزارت محترم عدلیه، پایه عرصه وجود گذاشت.

بتاریخ ۱۹ حوت سال ۱۳۹۲، جوانان اعضای این نهاد، طی گرد همایی وسیعی در فیروزکوه (قبلاً مسمی بنام چغچران) بحیث مرکز ولایت غور، برای پیشبرد فعالیت های مدنی، علمی، فرهنگی و اجتماعی منطقه و جامعه، جلسات متعددی دایر نمودند که در نتیجه روی تغییر اعضای هیئت مدیره نهاد، اعضای رهبری نشریه الله یار و همچنان روی پلان و اهداف درازمدت و استراتژییک سال ۱۳۹۳ خورشیدی، تصامیم گرفتند که؛ تشکیلات جدید اعضای رهبری نهاد و نشریه با حضور داشت هیئت مدیره قبلی نهاد؛ محمد انور "عمری" رئیس، ضیا احمد "سلطانپور" معاون اول، حیات الله "حیات" معاون دوم، عبدالمنان "ظهیر" مدیر اداری و همچنان با اشتراک تعداد کثیری از استادان، تحصیل کردگان، محصلان، متعلمان و دیگر جوانان، تعیین اعضای جدید به سمت های مختلف، تصویب گردید.

اعضای جدید هیئت مدیره نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار:

- ◇ عبدالقدیر "فیصل" بحیث رئیس؛
 - ◇ صلاح الدین "جلالی" بحیث معاون اول؛
 - ◇ محمدیوسف "سعادت" بحیث معاون دوم؛
 - ◇ گلاب الدین "کریمی" مدیر اداری؛
 - ◇ تاج الدین "غوریانفر" آمر مالی؛
 - ◇ حکمت الله "شاهین عباسی" منشی و
 - ◇ انجینیر غلام نبی "حسن زاده" سخنگوی نهاد، تعیین گردیدند.
- اعضای جدید رهبری نشریه تحت نام ماهنامه الله یار:**
- ماهنامه الله یار، نام اختصار شده نشریه فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار بود که در سال ۱۳۹۰ با اخذ جواز انتشار از مقام محترم معینیت نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، بحیث یک نشریه مستقل، آزاد و بی طرف، به فعالیت خویش آغاز کرد.
- طوریته که شما در جریان هستید؛ ماهنامه الله یار، در چهار صفحه چاپ و نشر میگردد که بیشتر حاوی موضوعات اجتماعی و فرهنگی، خبری و آگاهی دهی، آموزشی، تعلیمی بوده و همچنان فعالیت های نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار را به سمع خوانندگان میرساند.
- اسامی دست اندر کاران ماهنامه، بقرار زیرین بحضور خوانندگان عزیز، تحریر میشوند:
- ◇ جمعه خان "جویا" مدیر مسؤل ماهنامه الله یار؛
 - ◇ لعل میردانشور "مرادی" معاون مدیرمسؤل ماهنامه؛
 - ◇ صدر الدین "اظهر" سردبیر ماهنامه؛
 - ◇ حیات الله "حیات" ویراستار ماهنامه و
 - ◇ هیئت تحریر، جمعی از نویسندگان است.

درکوشش، استوار باشید تا به عمل پیر دازید



پرانرژی بودن یک چیز است، عمل کردن مطلب دیگری است، چنانکه گویا انسان از قبل، لاقط گهگاهی، با انرژی بوده و اما عمل کرده نتوانسته است، چیز دیگری است. در نهایت باید بررسی کرد: (آیا از قبل اراده داشته، عمل کرده و سپس مشاهده کرد که چه اتفاق افتاده است). برای مشاهده مستمر و خستگی ناپذیر. بلی؛ اما در آغاز به هیچ کس چنین کوشش زیادی را توصیه نخواهیم کرد؛ ولی برای کوشیدن به نحوی که انسان انرژی باید در فلان مورد باشد، نی. ما حتی در ضعیف ترین افراد باوجود امکان پایه داری، گرچه نه مقاومتی که فوراً پیروز شوند، اعتقاد داریم، و آنکه نیاید منتظر بود که هر قدر مقاومت ها شدید باشد، از همان روز اول موفق شویم. هدف یک فرد مبتدی باید این باشد که غالباً به کوشش دست یافت. اگرچی در روزهای نخست پیش می آید، انسان به جلوگیری از آن نیندیشد (در لحظه تحریک و محرک) لاقط بهتر است از احساس بی فایده غلیظ و خشم اجتناب کند: این فقدان توجه را با تاکید درونی مانند زیر دنبال کند (دفعه دیگر بموقع به آن فکر خواهیم کرد قطعاً تصمیم گرفته ام بر بی اراده گی خودفایق آیم). درواقع نیز این روش تکرار خواهد شد و آگاهی موفق میشود که بموقع مداخله کند.

وقت انگیزه واحدی طی چند روز به طور پیاپی وجود داشته باشد، تقریباً همیشه در لحظه خاص و با شدت بسیار نیرومند باز میگردد. در اینجا مانع خطرناک وجود دارد، که باید با شدت به آن جنگید؛ زیرا پس از اینکه یکبار به آن غلبه کردیم، میتوانیم مطمئن باشیم بلاخره با سهولت بیشتری بطور کامل فایق خواهیم آمد. هنگامیکه مشاهده کردید که چقدر پرورش ذکر شده، ملایم و تدریجی است و به دقت تنظیم شده تا هرکسی قادر به انجام و اراده آن باشد، از فردای آن روز شروع کنید که آنرا در ذهن خود به عنوان یک وظیفه حک کنید و تمام توجه و انرژی خود را به آن معطوف سازید. سپس کوشش اولیه را از سر بگیرید و برای بار دوم به نحوی متفاوت آنرا دنبال کنید. متوالاً بکوشید تا تمام انگیزش های که در بالا اشاره کردیم غلبه کنید. سرانجام سعی کنید با در نظر گرفتن تمام نکات متذکره، یک روز کامل را آنطور زنده گی کنید و هنگامیکه روزی به آن موفق شدید، برای یک هفته کامل را از نو شروع کنید. آنگاه است که برای رجوع به فصل بعدی خوب آماده شده اید. فراموش نکنید که در درون آرزوهای برتری جویی، بلند پروازی، میل به پیشرفت و تفوق و موفقیت خود را بکاوید تا نیروی عمل تقویت کننده و متعادل سازنده را بیابید.

اگر (سستی مبهمی) شمارا فرا گرفت، باخون سردی استدلال کنید. به آرامی به خود بگوئید: درست است که حالا خود را ضعیف احساس میکنم؛ اما این حالت نمیتواند دوام داشته باشد. و آنکه تاملت دیگر وقتی خوب خود را پرورش دادم، و رزیده شدم، این ضعفها دیگر به سراغم نخواهند آمد. سرانجام به گفته های مایوس کننده بی که دیگران ممکن است بگویند، هیچ اهمیت ندهید. وقتی در حالی پرورش شخصیت خود هستید، به گفتار مایوس کننده اهمیت ندهید. چه بسا حرفهای ساده دلانه دیگران درک همان چیزهای باشد که سرکوب آنها بیشترین اهمیت را داراست. بدین ترتیب از کسانی که هنوز به اهمیت چنین پرورشی آگاهی ندارند و عقاید منفی خود را ابراز میدارند، اجتناب خواهید کرد.

محمد یوسف "سعادت"

دانشجوی صنف چهارم دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ

عُرف و عادات مضره اجتماعی در ولایت غور

اهل ولایت غور، یک بخش از جامعه اسلامی افغانستان است که مردم آن اکثراً زندگی روستائی و دهات نشینی داشته و در طول تاریخ، باشندگان دیار غور، از پیشرفت و مدنیت محروم مانده اند. یک علت این پسماندگی، عرف و عادات پسندیده مضره اجتماعی و فرهنگی است که، مخالف شریعت غرای محمدی قوانین وضعی کشور میباشد. در این بحث، اشاره کوتاهی به جریانات واقعی جامعه خویش را جمع آوری نموده ام و ضمناً امید وارم که مورد جلب توجه شما خوانندگان گرامی قرارگیرد، تا بتوان در آینده برای بهبود و اصلاح این معضل جامعه خویش را، کمک نمایم، اینک هر عرصه را بطور جداگانه به بررسی میگیریم:

عرف و عادات پسندیده مضره در راستای تشکیل خانواده:

الف: عدم رضایت دختران و پسران برای تعیین سرنوشت زندگی با همی و مشترک ایشان در انتخاب همسر و تشکیل خانواده؛ دخالت های ناسالم والدین و سایر اعضای فامیل های عروس و داماد در راستای تشکیل خانواده؛

ج: عدم موجودیت صمیمات میان اعضای خانواده های هر دو طرف، حتی بعد از دوره نامزد شدن الی ختم عروسی کلان

عرف و عادات پسندیده مضره در راستای فرهنگ:

الف: استفاده بیجا، منفی و ناسالم از تکنولوژی دست داشته توسط بعضی از افراد جامعه، بگونه مثال:

مزاحمت های بیجا توسط تلفون های همراه، گوش دادن بشکل افراطی به موسیقی و آهنگ های غیر تربیتی و تعقیب نمودن سریال های خارجی نافی اخلاق حسنه؛

ب: ترویج عادات و رفتار ضد شرعی "بچه بازی"؛

ج: استفاده از دخانیات به اشکال گوناگون آن و نوشابه های الکولی.

عرف و عادات پسندیده مضره در راستای اجتماعی و مدنی:

الف: عدم رعایت اصلی انصاف در نرخ ها، در خرید و فروش و در تمامی معاملات سوداگری و تجارتي؛

ب: برز، کشت و قلاچاق مواد مخدر؛

ج: تقلب کاری، فریب کاری، دروغ گفتن و تدلیس در امور سوداگری و تجارتي.

عرف و عادات پسندیده مضره در راستای حیات اخلاقی:

الف: یاد نمود اشخاص به القاب ناپسند، محقرانه، مخالف اصل کرامت انسانی و شأن اجتماعی.

ب: برخورد ناسالم ادارات دولتی با مراجعین و برخلاف آن.

ج: برخوردهای اخلاقی ضعیف اشخاص اعضای اجتماع بایکدیگر.

د: عدم رعایت حقوق همسایگی در زندگی اجتماعی هم جوارگی.

اخبار ماه حمل ۱۳۹۳

یکشنبه و دوشنبه مؤرخ 10 و 11 حمل سال 1393 خورشیدی، انتقال صندوق های رأیدی از طرف کمیسیون مستقل انتخابات توسط نیروهای مسلح افغانستان به ولسوالی های نه گانه و نواحی مرکز ولایت غور آغاز یافت. مقامات محلی ولایت غور از انتقال برکه ها و صندوق های رأیدی به ولسوالی های پسانند، تولک، تیوره، چهارسده، دولتیار، دولینه، ساغر، شهرک و لعل و سرچنگل با اتخاذ تدابیر ویژه امنیتی، خبر میدهند.

چهارشنبه 13 حمل سال 1393 خورشیدی، وقوع درگیری میان

پولیس و افراد طالبان مسلح مخالف دولت، در مربوطات ولسوالی ساغر، منجر به کشته شدن 4 تن طالب و زخم برداشتن 4 تن نیروهای افغانستان گردید.

به نقل از یک منبع، نیروهای پولیس بخاطر پاکسازی مناطق از وجود طالبان، این عملیات را به راه اندازی کرده و در نتیجه مناطقی که مورد هدف بود، تحت کنترل نیروهای امنیتی در آمد.

روز جمعه 15 حمل سال 1393 خورشیدی، مقامات امنیتی ولایت

غور مدعی شدند که، درگیری میان افراد پولیس به همکاری مردم محل، طالبان مسلح در منطقه غلمین، که به روز پنجشنبه (14 حمل) آغاز گردیده بود، با کشته و زخمی شدن 16 تن از طرفین، درگیری خاتمه یافت. همچنان مقامات امنیتی در ولایت غور از مسدود شدن 11 مرکز رأیدی دیگر، در ولایت غور خبر میدهند که بدین ترتیب تعداد مراکز مسدود شده در ولایت غور، از 31 به 42 مرکز رأیدی افزایش یافت.

شنبه 16 حمل سال 1393 خورشیدی، کمبود اوراق در مراکز

رأیدی، در ولایت غور، چالش عمده برای رأیدندگان بوجود آورد. گزارشگر وبسایت جام غور، چشم دید خودش را از مرکز رأیدی لیسه سلطان علاءالدین غوری چنین نوشته است: "حوالی ساعت 2 بعد از ظهر، زمانیکه به مرکز رأیدی لیسه سلطان علاءالدین غوری رفتم، اوراق رأیدی تمام شده بود و ناچار با ده ها تن دیگر، بدون رأیدادن بیرون آمدم." این مشکل تنها در این مرکز رأیدی، خلاصه نمیشود. گزارش های از منطقه پشته نور ولسوالی دولتیار، از منطقه گرم آب ولسوالی لعل و سرچنگل، از منطقه غلامان الله یار، نیز حاکی است که اوراق رأیدی در آن مرکز به اتمام رسیده بود.

یک منبع مؤثق و معتبر امنیتی که، نخواست نامش گرفته شود، از بسته شدن 6 مرکز رأیدی در شمال ولسوالی تولک ولایت غور، خبر داد. به نقل از این منبع، مراکز رأیدی واقع در مناطق مجسد کونا، مکتب متوسطه تکاب اشنان، مکتب متوسطه دای، مکتب لرك، آب شکان و مکتب ابتدایه نوچاره در اثر تهدیدات شدید امنیتی، مسدود شد.

باشندگان ولسوالی شهرک میگویند که، یک گلوله راکت به مرکز آن ولسوالی انداخت شد که؛ خسارات و تلفاتی در پی نداشت. مقام های امنیتی غور از اظهارات در این مورد خود داری کردند.

باشندگان ولسوالی لعل و سرچنگل ولایت غور از اشتراک گسترده مردم در انتخابات رئیس جمهور، جمهوری افغانستان و شوراهای ولایتی در آن ولسوالی، خبر داده و میگویند که رأیدی در آن ولسوالی بدون کدام مشکل امنیتی به اتمام رسید.

چهارشنبه مؤرخ 20 سال 1393 خورشیدی، جامعه مدنی و

باشندگان ولایت غور، در اعتراض به توزیع ساحه ملکیت رادیو تلویزیون محلی این ولایت، بر روی سرک ها خیمه زده و شعار های "مرگ بر چوروال، غاصبان زمین و ما عدالت میخواستیم" کتبی نیز بر خیمه ها نصب نمودند.

دوشنبه مؤرخ 25 حمل سال 1393 خورشیدی، محفلی که بمناسبت

تقدیر از فعالیت های نیروهای امنیتی افغانستان، باشتراک والی ولایت غور، رؤسای ادارات دولتی، صدها تن از نیروهای امنیتی افغانستان و تعداد از خبرنگاران که، در سالون کنفرانس های مقام ولایت برگزار گردیده بود، با اهدای تقدیرنامه ها و تحایفی برای مؤظفین امنیتی و سربازان، از آنان تقدیر بعمل آمد.

دوشنبه مؤرخ 25 حمل سال 1393 خورشیدی، ده ها تن از

محصلان دانشگاه تعلیم و تربیه ولایت غور، در اعتراض به بی توجهی و کم کاری رئیس دانشگاه دست با اعتراضات زده، خیابان دره قاضی را بمدت 3 ساعت، بروی ترافیک بستند.

اعتراض کنندگان که توسط بلندگو های دستی شعار های "ما رئیس بیسواد، کم کار و بی کفایت نمیخواستیم"، خواهانی برکناری عبدالمنان "خادمیان" رئیس پوهنتون ولایت غور شدند.

سه شنبه مؤرخ 26 حمل سال 1393 خورشیدی، برکناری شاروال

و تصاحب مجدد ملکیت سابقه رادیو-تلویزیون دولتی ولایت غور که، قبلاً غصب گردیده بود و اعتراضات مردمی را باعث شده بود و ضمناً کارمندان شاروالی مرکز ولایت که به حمایت از شاروال قبلی که دست به اعتصاب زده بودند، در پی داشت.

یکشنبه مؤرخ 31 حمل سال 1393 خورشیدی، ساخت تعمیر اداری

مقام ولایت غور به هزینه چهل هشت میلیون و هشت صد هزار افغانی که از بودجه توسعهی دولت ساخته میشود، به داوطلبی گذاشته شد. این تعمیر جدی اداری مقام ولایت غور در قسمت غربی تعمیر فعلی بمساحت 675 متر مربع زمین، در 4 طبقه که دارای 48 اتاق، بشمول سالون های جلسات و کنفرانس ها میباشد، بشکل پخته و اساسی اعمار میگردد.

برگرفته شده از سایت بین المللی جام غور

محسن " ساحل "

متعلم صنف دوازدهم لیسه عالی سلطان

علاوالدین غوری

شعر ادب

پارسی

غزل، سبزترین شاخه شعر

غزل در اصطلاح، مجموع ابیاتی است متحد در وزن و قافیه که بیت اول آن، مصرع باشد. غزل شعری است که مقصود آن، وصف عشق و بیان زیبایی لب، زلف، خال، حکایت وصل، هجر، ذکر ریاحین و گل ها....

غزل نزد شعرای پارسی زبان، اشعاری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع که حد معمولی و متوسط آن، بین پنج تا دوازده بیت باشد و گاهی هم بیشتر از آن، تا حدود پانزده و شانزده، گفته اند؛ اما از پنج بیت کم تر نباشد، در غیر آن، شایسته نیست تا بنام غزل، یاد نمایند.

قتیل "لاهوری"

ما را به غمزه کشت و قضا را، بهانه ساخت
خود سوی ما ندید و حیا را، بهانه ساخت

دستی بدوش غیر نهاد، از ره کرم
ما را چو دید، لغزش پا را، بهانه ساخت

آمد بیرون زخانه، چو آواز ما شنید
بخشیدن نواله گدا را، بهانه ساخت

رفتم به مسجد از پی نظاره رُخش
دستی برخ کشید و دعا را، بهانه ساخت

زاهد نداشت، تاب جمال، پری رُخان
کنجی گرفت و ترس خدا را، بهانه ساخت

(نگارش کاظمی، جاب سال ۱۳۷۹: ص ۲۹۴)

عبارات تأکیدی از دیدگاه خود شناسی

عبارات تأکیدی، جملات نیرومند و مثبتی هستند که دردها را درمان نموده و برای آینده، نسبت به گذشته، شخص تصمیمات بهتری خواهد گرفت و یا اینکه عبارات تأکیدی نسبت به گذشته، ما را قوی تر می سازد. امروزه روانشناسان، استفاده از عبارات تأکیدی را بیشتر پیشنهاد میکنند و این عبارات تأکیدی زیرین، از لابلای صدها کتاب روانشناسی گرفته شده است:

1. چقدر خواندن مهم نیست، بلکه چگونه خواندن مهم است؛
2. دعای شما، زمانی مستجاب میشود که، بدانید چرا دست بدعا، بلند کرده اید؛
3. ساده ترین کار در دنیا، این است که خود باشی بآنچی که خودت میخواهی؛ ولی سخت ترین کار در دنیا، آن است که کسی باشی که دیگران میخواهند؛
4. اندیشه های حقیرانه؛ انسان را حقیر نگه می دارد؛
5. اگر در کاری ناکام شدید، دوستان شما، ناراحت میشوند؛ ولی اگر همیشه موفق باشید، دوستان شما، بیشتر ناراحت می شوند؛ فراموش نکن؛
6. مهم نیست که بتوانید به اجداد خود افتخار کنی، مهم این است که آنها بتوانند به شما افتخار کنند؛
7. تفکرات خوب و بد گذشته، آینده شما را، بهتر از امروز می سازد؛
8. بزرگ ترین اشتباه، این است که همیشه از اشتباه کردن، ترس داشته باشیم؛
9. اینرا بدانید که رمز شکست، در راضی کردن رقیبان است؛
10. بعضی اوقات، رویه باش که دام ها را تشخیص داده بتوانی؛ ولی گاه اوقات، شیر باش تا گرگ ها از تو ترس داشته باشند؛
11. کسی که می پرسد، تا پنج دقیقه، احمق است؛ ولی کسی که نمی پرسد، برای همیشه، احمق میماند؛
12. راز را، پیش خود نگهدار فقط نتایج را ب مردم نشان بده؛
13. هرگز آنچی را که، خود انجام نمی دهی؛ بدیگران آموزش نده؛
14. همیشه زیانت را، با احتیاط و آرام، بکار ببر؛ ولی چشمانت را با سرعت؛
15. اگر ما در زندگی مان، مرتکب اشتباه نشویم؛ مفهوم اش این است که تلاش کامل و صد درصد، نداریم؛
16. اگر از تمامی کار هائی که در زندگی انجام میدی، فلمبرداری شود؛ کدام کار ها را، انجام میدی؛ پس خود را بازیگر فلم و مردم را تماشاچی فلم، فکر کن.

گل حضرت "رفیق زاده"

دانشجوی، دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بنام شهید استاد ربانی

اسلام و صلح

جامعه بشری، حثیبت وجود یک انسان را دارد که، هرگاه عضوی از اعضای وجودش، بمرضی مبتلا گردد و یا در نتیجه عارضه، فعالیت خود را درست، بسر نرساند، بسلامتی و ساختمان فیزیکی - بدنی آن، تأثیر بدی، وارد میسازد. بطورمثال: اگر یکپا، کار نکند، یا دست و پا چشم، سلامتی خود را از دست بدهد؛ تعادل و نظم عمومی بدن، برهم میخورد، حتی این عدم تعادل بالای هر یکی از اعضای دیگر بدن، نیز تأثیر میگذارد. اگر همه اعضا سالم و درست باشند و بطورطبیعی، وظایف خود را انجام دهند؛ بقا و سالم بودن بدن را تأمین میکند. پیامبر بزرگ اسلام(ص)، این حقیقت را در یک حدیث شریف، بسیار نیکو تصویر و چنین بیان مینمایند: مومن از حیث کمک، عاطفه و ترحم، مانند جسمی اندک هرگاه به عضوی از اعضای آن، صدمه و ضرری رسد، بسیاری از سایر بخش های وجود را به بیدار خوابی و درد فرامی خواند. چنانچه سعدی علیه الرحمه این حدیث مبارک را در لابلای شعر چنین آورده و گفته است:

بنی آدم، اعضای یکدیگر اند

که در آفرینش، زیک گوهر اند

چو عضوی، به درد آورد روزگار

دیگر عضوها را، نماند قرار

تو کز محنتی دیگران، بی غمی

نشاید که، نامت نهند آدمی

باید گفت؛ همانطوری که جنگ و نزاع، عامل تباهی و نابودی است، برعکس، صلح و اخوت، عامل صلح و سلم و بقاست که ما خود نیز شاهد عینی و ملموس آن در جامعه خود هستیم. خداوند (ج) در سوره تعال، آیه یکم چنین می فرماید: "از خدا بترسید و در بین خود، اصلاح و صلح نمائید و از خدا و رسول او اطاعت کنید، اگر مومن اید". مبینید که خداوند(ج) صلح را نشانه، ایمان و ترس از خدا(ج)، علامه تقوی، اطاعت از خداوند (ج) و پیامبر اش میدانند. برعکس، جنگ و نزاع، تصادم و کشمکش میان مسلمانان را، ضدومنافی، بان میدانند. چنانچه خداوند(ج) میفرماید: (ترجمه: صلح، خیر است). در اینجا الله تعالی صلح را مایه خیر، رستگاری و رحمت خداوند(ج) ذکر مینماید. همچنان پیامبر(ص) نیز در این زمینه می فرماید(ترجمه: مسلمان کامل کسی است که مسلمانان از زبان و دست آن، درمان باشند و مومن کامل کسی است که آنرا امن بشمارند؛ مردم بر خون خود و اموال خود، بخاطر دیانت و امانتداری آن). این همه آیات و احادیث شریف، خود بیانگر ارزش و الای صلح در اسلام است و رابطه صلح و اسلام را بیان مینماید. اسلام، دین سلامت و صلح است و از جنگ و نزاع بویژه، در میان مسلمانان متنفر است.

نثار احمد "اکبری"

دانشآموز صنف دوازدهم دارالعلوم ابوحنیفه "رح" ولایت غور

جنگ خربوزه

در یکی از مناطق سردسیر ولایات مرکزی، هنگام زمستان، اوایل ماه دلو، مردم یک دهکده کوچک، بین عصر و شام، در حالیکه نماز دگر را به جماعت ادا کرده بودند، در اتاق متصل مسجد، بدور بخاری گرم نشسته، منتظر نماز شام بودند. در زمین قریه یک زانو برف افتاده و هوا به حد اعلی سرد بود، طبق معمول، مردم با همدیگر صمیمانه صحبت می کردند (اختلاط می کردند). یک مرد میان سال می گوید، امسال بسیار برف شده، بخیر، آب سرچشمه ها زیاد می شود و همه زمین ها تا پایان قریه، سیراب می گردد، من هم، همو زمین پائین را پالیز می کنم(خربوزه می کارم)، نفر دیگری هم سن و سال وی می گوید: خوب است! پسر کوچک من هم از عقب قشلاق، شبانه خربوزه ها را دزدی می نماید. مرد، کمی بر افروخته شده و جواب می دهد، باز تو زور بچه مرا ندیدی، والله راه پسر را گرفته، کله او را دو کله جور می کنی، فرد مقابل خشمگین می شود و می گوید، بچه سیه گنه تو، اینقدر غیرت ندارد، پدرش چی است که فرزندش باشد، بالعکس جواب شدید تری می شنود، با رد و بدل شدن سخنان تند، فحاشی، طعنه، لاف، پف و قورت، هردو از یخن های همدیگر می گیرند، مشت و لگد به راه می افتد. وابستگان طرفین، با میانجیگری و سمتگیری، وارد معرکه می شوند و یک جنگ تمام عیار، اتفاق می افتد. سر و دست، روی و کله، پوز و پکل زخم و زخول می شود و مردم محل از ریش سفید تا پیچه سفید، همراه با ملای مسجد، دست بکار می شوند، عجاتاً بحران پایان مییابد. صبح روز بعد، ولسوالی، طرفین نزاع را به حکومت احضار می کند. حاکم(ولسوال)، قاضی، قوماندانان، ارباب ها، موی سفیدان، آخذن محل و اشخاص با سرو کله های زخمی، همه صف می کشند. حاکم با عصبانیت می پرسد، شما مردم مزخرف را چی بلا برداشته که در این چله زمستان، بجان همدیگر افتادین. یک مرد پوخله ریش و کوتاه قد، بسمت همان نفر پالیز دار، اشاره کرده، می گوید: صاحب انه! همی مردکه، آتش جنگ را به ناحق در داد. حاکم می گوید: هو شغال! چرا جنگ را راه انداختی؟ مرد یک قدم پیش می ایستد و جواب می دهد، خوب کردم، از برای خدا، تمام خربوزه های مرا، پسرش دزدی کرده و خود همی نفر هم، خبر بود و ازو پشتیبانی میکرد، اگر همی قسم دزدی ادامه پیدا کنه، والله گذاره نمی شه.

پایان

د. انور غوری

نخستین ها

1. نخستین کسی که، گناه را در عالم به وجود آورد، شیطان بود؛
2. نخستین کسی که، زره ساخت و از آن استفاده کرد، حضرت داوود(ع) بود؛
3. نخستین کسی که، راز ساختن حمام را اختراع کرد، حضرت سلیمان(ع) بود؛
4. نخستین کسی که، از لباس دوخته استفاده کرد، حضرت ادريس (ع) بود؛
5. نخستین کسی که، کاغذ را ساخت حضرت یوسف (ع) بود؛
6. نخستین کسی که، بر پیامبر ایمان آورد، حضرت ابوبکر صدیق (رض) بود،
7. نخستین کسی که، صابون را ساخت، حضرت سلیمان (ع) بود؛
8. نخستین نوجوان که، به پیامبر ایمان آورد، حضرت علی (مرتضی) بود،
9. نخستین جوانی که، به پیامبر ایمان آورد، زید ابن حارث بود؛
10. نخستین صحابه که، خون اش را در راه خداوند (ج) ریخت، سعد ابن ابی وقاص بود،
11. نخستین کسی که، در راه اسلام شهید شد، عمر ابن حباب انصاری بود؛
12. نخستین زنی که، در راه اسلام شهیده شد، بی بی سمیه "رح" مادر عمار بود؛
13. نخستین کسی که، بیمارستان را ساخت، ولید ابن عبدالملک بود؛
14. نخستین کسی که، قرآن مجید را نقطه گذاری کرد، نصر ابن عاصم الیشی بود؛
15. نخستین کسی که، ترازو را ساخت، حضرت شعیب (ع) بود؛
16. نخستین مونی که، سفید شد، موی حضرت ابراهیم (ع) بود؛
17. نخستین کسی که، به عربی سخن گفت، حضرت اسماعیل (ع) بود؛
18. نخستین انسان آزادی که، بصورت برده، فروخته شد، حضرت یوسف (ع) بود.

گرد آورنده: حسام الدین "وسیم افضلی"

ماهنامه - از مقالات و نوشته های شما استقبال می کند.

ماهنامه - در رد، پذیرش، ویرایش و تلخیص مطالب، دست آزاد دارد.

ماهنامه - مسئولیت های ناشی از تخطی های محتوایی را بعهده نگارشگران و نویسندگان مطالب و مقالات می داند.

ماهنامه - صفحه ویژه رنگه را برای اعلانات بازرگانی هم شهریان ولایت غور ایجاد خواهد کرد؛ برای نشر اعلانات

سوداگری تان به شماره های ارتباطی ما در تماس شوید.

Allah Yar Youths Cultural and Social Monthly

گامی بسوی تحول اخلاقی

معنی عهد وفا و همبستگی

اهدایه به نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار و به عموم جوانان افغانستان!

فراگیری تعلیمات قرآنی و سنت نبوی، پخش و نشر مکارم و فضایل اخلاقی، به مفهوم وسیع آن، در جامعه، تشکیل بدهد. باید یقین داشت که تغییر در اجتماع، سیاست، اقتصاد، حکومت و نظام، فقط بایک انقلاب عظیم اخلاقی، ممکن است؛ آنهم مبنی بر رهنمودهای قرآن کریم، زیرا که آیات قرآن، اثر تربیوی و اخلاقی در اجتماع ملی و جامعه بین المللی دارد. قرآن کریم تابعان خود را با اخلاق رفیع و راقی در تعامل با غیر مسلمین بطور زیرین امروز همنمود نموده است:

اول: قرآن کریم، اخلاق نیکو را عدم اعتداء تلقی می کند. چنانچه ترجمه آیت ذیل صراحت دارد:

ترجمه: "و در راه الله با آنانی که به جنگ و دشمنی شما برخیزند، جهاد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد" (ایه ۱۹۰، سوره البقره).

رسول صلی الله علیه وسلم، وقتی که لشکری را می فرستاد، می فرمودند: "ترجمه: بیرون شوید با اسم الله، جهاد کنید در راه الله با کسانی که کفر ورزیدند با الله، و تجاوز نکنید، غل نکنید، مثله نکنید و کودکان را نکشید".

دوم: تأمین کردن زمینه شنیدن کلام الله برای مشرک: دیگر اخلاق حمیده، نیکی و رفیعی که قرآن کریم، تابعان خود را هدایت فرموده اند، این است که، یک مشرک، می آید و قصد حصول شناخت و معرفت با شریعت اسلام را دارد و مسلمانان امنیت او را به همین هدف می گیرند، چنان امنیتی که مشرک ترس و بیم نداشته باشد؛ پس اگر مسلمان شد، برادر دینی شماست و تربیه بزرگ قرآنی هم در اینجا است. اگر در شرک خود باقی ماند، پس او را انتقال بدهید بسوی اهل آن.

امرال دین "برهانی"

یکی از دشوارترین مشکلاتی که دامنگیر جوامع بشری امروزی است؛ **(ضعف، فقدان فضایل و مکارم اخلاقی)** است. در نبود و موجودیت ضعف، در مکارم و فضایل اخلاقی در جامعه، هزاران مشکل دیگری اعم از مشکلات و نابسامانی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صحتی نظامی، خانواده گی و غیره دشواری ها و معضلات بروز نموده، در نتیجه مشاهده می رسد که جوامع بشری کنونی، با وجود رسیدن به پیشرفت های بزرگ در عرصه های علم و تکنولوژی و ایجاد وسایل زندگی مرفه، در آتش مشکلات و ناملایمات مادی و معنوی می سوزند، زیرا آرامش روانی و اطمینان بخش، از زندگی اکثریت انسان های معاصر، رخت بر بسته است.

مشکلات و مفاصد اخلاقی یعنی چی؟

هنگامی که ما از مشکلات و پدیده های منفی مانند مفاصد اخلاقی نام می بریم، مقصود ما تنها، بیراه روی و انحراف اخلاقی مانند همه مفاصد، انحرافات و پدیده های منفی اخلاقی از قبیل: دروغ گفتن، خیانت، ظلم، بی عدالتی، حق تلفی، حسد، کینه، عداوت، تعصب، بدگمانی، غیبت، اعتیاد به مواد مخدر و استعمال دخانیات، تنبلی و سستی در کار، مردم آزاری، اسراف و غیره می باشد.

همه باهم، بسوی تغییر اخلاقی:

اگر خواسته باشیم تا مشکلات و نابسامانی های جامعه خویش را، حل نموده و دردهای آنرا معالجه کنیم، ضرورت می رسد که یک تغییر و اصلاح همه جانبه و در پیشاپیش آن، ضرورت می رسد که یک انقلاب و تحول بزرگ اخلاقی داریم که باید اساس آنرا،

که به ضرر عرف، عادات و فرهنگ جامعه باشد، در آن وجود نداشته باشد؛ خود و در سر بلندی وطن خویشتن سهم ارزنده گرفته، جوانان را از نگاه تربیت سالم با خود هم پیمان ساخته، از طریق همبستگی در ریشه کن ساختن جهل، عرف و عادات پسندیده مضره، کمر همت بسته، محیط و منطقه خویش را از بیدختی ها نجات بدهند. در شرایط کنونی، تأمین صلح و امنیت یک ضرورت مبرم است. جوانان باید بدانند که در این پروسه، چگونه سهم خویش را ادا نموده و در تشخیص دوست و دشمن وطن، سهم بارز گرفته، چهره های پس پرده را که، در تخریب وطن ما، دست دارند، افشا نموده و اضرار جنگ را بزبان ساده و محیطی به اطرافیان خود تبلیغ نمایند. بطور مثال: یگانه کشوری که دشمنی علنی و بیجا با کشور ما میکند، کشور پاکستان است، چی پاکستان به گروه های وابسته خود، دستور میدهد تا در افغانستان وحشت و دهشت افگنی کنند؛ مکاتب ما را بسوزانند، پل، پلچک و پلچک ها، سرک ها و دیگر ساختمان های واقع در وطن ما را، تخریب کنند، آنهم تحت نام جهاد در راه اسلام، در حالیکه اهداف تخریبی آنها، ضعیف ساختن کشور ما می باشد و تخریب کاران این کشور میکوشند تا دروازه های مکاتب ما، بسته بماند تا باشد که نسل های آینده وطن ما، جاهل، بیسواد باقیمانده، بدین طریق اهداف شوم خویش را به آسانی عملی ساخته و اگر بتوانند کشور ما را اشغال کنند که؛ البته عکس آن جوانان متعهد، وفا دار و آگاه، از طریق ایجاد همبستگی میان صفوف خویش این نیات و اعمال شوم را بی اثر و بی ثمر ساخته و در مقابل میتوانند خدمات ارزنده را به انجام برسانند.

استاد غلام رسول "منش"

استوار و پابرجا نگهداشتن رشته دوستی و محبت، نسبت به کسی و یا چیزی را که دوستش داری و میخواهی تا او را بدست بیاوری و تصمیم قاطعانه میگیری تا به مقصد برسی و برای رسیدن به هدف، همکاری دیگران را میخواهی، این همه پیوند و پیمان ها را بجا آوردن عهد، وفا و همبستگی گویند. شکستن عهد و وفا، باعث کندن رشته دوستی گردیده و جفا نام دارد. وفا به عهد کلمه مقدسی است که میتوان آنرا به نور و روشنی، پاک، صفائی، نیکی و نیکوکاری، گذشت و از خود گذری، احسان و عدالت و در مجموع همه خوبیها را در آن سراغ نمود و بوجود افراد وفادار، افتخار کرد، از داشتن چنین دوستی با خود بالید و لذت برد. وفا داری به قدری شریف، لذت مند و دیرینه است که از روز پیدایش انسان بروی کره زمین و همزمان به عمر آدمی، ترویج شده و تحکیم یافته و در روابط بین انسان ها، چی مرد و چی زن، از دیرینه زمان ها بدینسو، وجود داشته و کسانی که نسبت به یگدیگر وفا دار بودند؛ از زندگی خویش لذت برده و بخوشی عمر بسر رسانیده اند. در این موارد، داستان های زیادی، وجود دارد که، میتوان از طریق مطالعه کتب، مشاهده فلم های سینمایی و حتی از طریق خوانش و نقل افسانه هائیکه سینه به سینه نقل شده اند به وضاحت معلومات بدست آورد. امروز بیشتری انسانها، سریال ها و فلم های سینمایی را جهت تکمیل شخصیت خویش تماشا میکنند و از طریق اجرای نقش قهرمانان، خود را در نقش قهرمان کارهای خوب قرار داده و میخواهند، نسبت به پدر، مادر، اقارب و هموطنان، خدمات ارزنده را انجام داده و وفا داری نسبت به حب وطن نشان بدهند. این کار، امر بدی نیست، بشرط آنکه، جنبه های مثبت آن بیشتر و نکات منفی

اهمیت شیر "فلگی" برای نوزاد

فله چیست؟

فله شیر مخصوصی است که در نخستین ساعات پس از زاییدن حیوان الی سه روز از پستان های حیوان زاینده بدست آمده و مورد استفاده نوزاد قرار میگیرد. در مناطق مختلف افغانستان، شیر فله به نام های پله، شیر تاوجی و غیره نام ها نیز یاد میشود. خوراندن مقدار کافی شیر فله برای نوزاد نهایت ضروری میباشد.

چرا باید به نوزاد شیر فله را داد؟

در نخستین ساعات پس از زاده شدن نوزاد، خوراندن یا چوشاندن مقدار کافی شیر فله، علاوه بر اهمیت نقش تغذیوی ویژه بی راکه این شیر دارد، سیستم هضمی نوزاد را از مواد نامطلوب نیز پاکسازی نموده و اهمیت نهایت ارزنده آن در کار حمایت از سیستم دفاعی بدن نوزاد نیز برجسته است. نوزاد در نخستین روزهای پس از زایش، سیستم دفاعی نهایت ناتوانی دارد، بهمین دلیل، همیشه حیوانات نوزاد به سادگی بیمار و یا ناجور میشوند و نسبت به حیوانات کلان، بیشتر آسیب پذیرند. پس برای جلوگیری از ابتلاء به بیماری های محیطی و محافظت در برابر بیماری های ساری و کشنده دیگر، قبل از هر چیز، نیاز است تا سیستم دفاعی بدن نوزاد تقویت گردد. به این منظور در نخستین دقایق بعد از زایش چوشاندن شیر فله، یکی از مؤثرترین اقدامات در جهت تقویت سیستم دفاعی و در نهایت برای حفظ سلامت نوزاد میباشد.

اهمیت شیر فله برای نوزاد، یک مبحث خیلی مهم و اساسی در طب حیوانات تنها در دوران معاصر تثبیت نشده، بلکه از دوران های گذشته دیرین و زمانه های

دوره اثبات رسیده است. بدین ترتیب شاید خیلی ها از هموطنان ما، اهمیت شیر تاوج را برای نوزاد بشکل لازمی آن ندانند روی این علت در خیلی ها از مناطق کشور ما، بر مبنای باور های خود ایشان، مقدار کافی شیر فلگی «گاو، گوسفند و بز» را به نوزاد نمیدهند و در عوض از شیر مذکور خود ایشان بگونه شیر هوسانه استفاده میکنند. ندادن شیر کافی فلگی بحیث عامل اصلی وقوع بیماری های مختلف و در نتیجه سبب افزایش تلفات نوزادان میگردد. به

مادر چگونه این همه مواد ضد میکروبی را برای نوزاد فراهم میکند؟ باید یادآور شد که اجرای پیچکاری و ویاوکسین، در زمان آبیستن و بارداری، نه تنها اینکه برای نوزاد ضروری ندارد، بلکه اجرای برخی از واکسین های حیوانی، در زمان بارداری حتمی و ضروری میباشد، بویژه آن عده واکسین هائیکه از سوی دکتران و ترنری بموقع آن سفارش و تجویز میشود. مثال اینگونه واکسین ها؛ واکسین بیماری ریخک بره های نوزاد میباشد، زیرا این واکسین مادر را از گرفتاری بیماری ساری سیاه روده نجات میدهد و همزمان بعد از زایش، بره یا بز غاله را از مبتلا شدن به مرض ریخک نجات میدهد.

لازم است تا برخی از واکسین های ضروری زمان بارداری، در یک فصل و زمان معینی، دوبار کار شود، چون بار اول انتی بادی تولید شده برای حیوان و بعد از حدود پانزده روز با اجراء دور دوم واکسین، مقدار کافی تولید انتی بادی برای چوپه تولید خواهد شد که بطور مستقیم و یا بوسیله شیر فلگی، برای نوزاد انتقال داده میشود. حال باید سه روز نخست حتماً به نوزاد شیر فلگی داده شود و یا برای اینکه خود مان را مطمئن ساخته باشیم، خوب است تا مقدار کافی شیر فلگی را در زمان مناسب، برای نوزاد چوشانند.

احمد طاهر "فخرزاد"